

آموزش دین زرتشتی

(سال سوم راهنمایی)

از انتشارات
انجمن زرتشتیان تهران
برابر برنامه های آموزش و پرورش

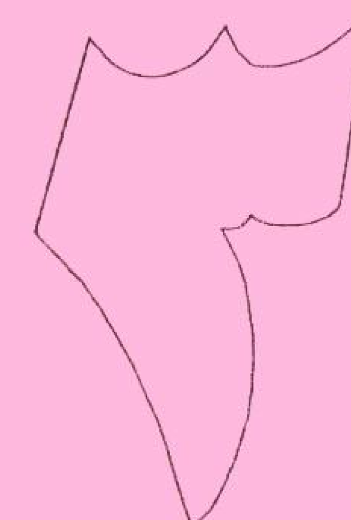


راهنمایی



راه در جهان یکی است

و آن راه اشویی است



راهنمایی

از انتشارات
انجمن زرتشتیان تهران
برابر برنامه های آموزش و پرورش

جَسمه اَونگهه مَزده

بیا به یاری من ای مزدا

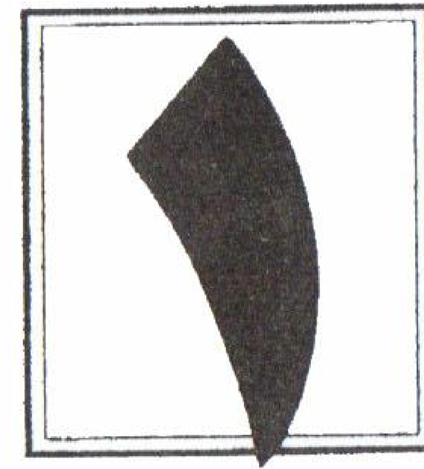
آموزش دین زرتشتی

سال سوم راهنمایی

ازانتشارات انجمن زرتشتیان تهران

(برابرِ برنامه‌های آموزش و پرورش)

فهرست



اشو زرتشت و گات‌ها

در درس دینی سال‌های گذشته آموختیم که **اشـو زرتشت**، پسرِ **پوروشسب** از خاندان اسپنتمان، پیامبر بزرگ جهان، پیام‌آور دین بهی و آیین راستی است.

اشو زرتشت نخستین پیامبر در جهان است که بـه یکتایی خداونـد گواهی داد و مردم را به ستایش و پرستش اهورامزدا فراخواند.

بخشی از **یَسنا** (یکی از بخش‌های اوستا) **گات‌ها** نام دارد که شـامل نکته‌های اخلاقی درباره‌ی درست زیستن، پارسا شدن و به خدا رسیدنِ مردم جهان است.

در کـتاب‌های دیـنی، بـخش‌هایی از گـات‌ها، پـیام اشـو زرتشت را فراگرفتیم و آموختیم که دین زرتشتی برای رستگاری انسان آمده است.

اشو زرتشت به مردم جهان یادآوری می‌کند کسی که بـرای راهـنمایی و رهبری دیگران برگزیده می‌شود باید از دانـاترین و دادگـرترین انسـان‌ها باشد، در انجام کارهای خود چه در راه براندازی بدی‌ها و چه در پیشبرد کارهای نیک تنها از روی عشق به خدا رفتار کند، انجام وظیفه خود را چون نماز و نیاز به درگاه خداوند بداند و هیچ خودخواهی را در آن راه ندهد. در رسیدن به کامیابی از هیچ کوششی برای گسترش پیام راستین خدا در سرتاسر جهان دریغ نورزد و همواره هر گامی را با انـدیشه‌ی نـیک، گفتار شیوا و کردار درست بردارد.

اندیشه، گفتار و کردار کسی که از روی دانش و نیکی باشد او را که به سوی راستی و اشویی رهنمون می‌کند. اینگونه انسان‌ها، از اشا بـاهنجار هستی پیروی خواهند کرد.

فَرَشه (تازه و نوگردانیدنِ جهان)

پیروی از **اَشا** انسان را برمی‌انگیزد تا در کار جهان به هر گـونه کـه هست از آموزش فرهنگ، کشورداری و دادگستری، کشاورزی و دامداری، صنعت و بازرگانی، هنر و بهداشت و غیره به دنبال شیوه‌ای تازه باشد تا برای بشر همراه با پیشرفت و سـودمند واقع گـردد. ایـن سـودخواهـی و کمال‌جویی برای همه‌ی انسان‌ها همان است که پیام گات‌ها آن را تـازه گردانیدن جهان یا **فرشه** می‌نامد و سفارش می‌کند که همه باید در این راه کوشش کنیم.

در هات ۳۰ بند ۹ اهنودگات آمده است:

پس بیایم و از کسانی شویم
که زندگانی را تازه می‌کنند و جهان را نو می‌سازند
ای خردمندان و ای اندیشمندان
و ای آورندگان خرسندی از راه راستی و درستی
بیایید همه در آنجا که دانش درونی است
همه همازور و همراه گردیم

سوشیانت

گات‌ها کسانی را که با دانش و بینش خود، در هر زمینه‌ی زندگانی، جهان را به سوی آبادی و پیشرفت می‌برند و تازه می‌کنند **سوشیانت** یا **سوشیانس** به معنی «سودمند و سودرسان» می‌خوانَد. این انسان‌ها کسانی هستند که بیش از همه از روی راستی عمل می‌کنند و با از خودگذشتگی و فروتنی، بدون هیچ گونه چشمداشتی تنها در اندیشه‌ی بهسازی و برتریِ زندگیِ دیگران می‌باشند. تنها پاداش و خوشیِ آنها پیشرفت و نوسازی در همه کارها است. این تازه کنندگانِ جهانِ هستی مردان و زنان برجسته‌ای هستند که در هر زمان زندگی را دگرگون می‌سازند و در جهت گسترش راستی برابر با هنجار هستی کوشش می‌کنند. همه باید سوشیانت خود باشند و جلوه‌های ویژه، تازه و مفید به زندگی انسان‌ها و دنیایِ زمانِ خود بدهند.

پرسش

۱ - نکته‌های اخلاقی «گات‌ها» درباره‌ی چیست؟

۲ - نخستین پیامبری که به یکتایی خداوند گواهی داد کیست؟

۳ - در پیام اشو زرتشت، رهبر اجتماع باید چه ویژگی اخلاقی داشته باشد؟ چهار ویژگی را نام ببرید.

۴ - پیروی از اشا، انسان را به چه کارهایی برمی‌انگیزد؟

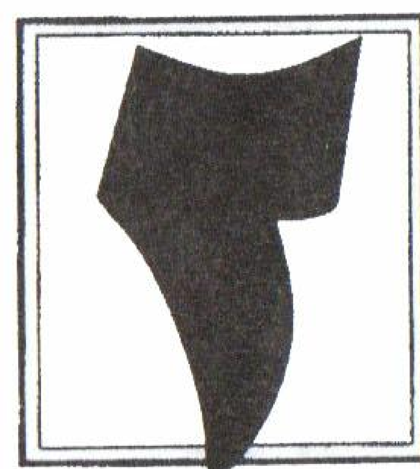
۵ - سرود تازه گردانیدن جهان هستی در گات‌ها کدام ست؟

۶ - سوشیانت به چه کسانی گفته می‌شود؟

۷ - معنی کلمه‌ی «سوشیانت» چیست؟

۸ - چه کسانی «تازه کنندگان جهان هستی» می‌باشند؟





آیین راستی
پس از اشو زرتشت (۱)

اشو زرتشت در زمان زندگی خود، شاهد گسترش دین زرتشتی و آیین راستی بود. پس از درگذشت پیامبر نیز، دین بهی همچنان گسترش خود را ادامه می‌داد. برخلاف سال‌های نخستین پیامبری، که تنها یاران و پیروان نزدیکش پیام او را می‌شنیدند در سال‌های آخر زندگانی پیامبر و پس از درگذشت او پیامش گسترش یافته بود.

گات‌ها نشان می‌دهد هنگامی که پیامبر از جهان درگذشت، به آرزوی خود رسیده بود.

در هات ۵۳ بند ۱ چنین آمده است:

...اشات هَچا اهورو مزدائو
یَوُئی ویسپائی آ هَوَنگهویم
یَئِچا هوئی دَبِن سَشکنِچا
دَئِنَیائو وَنگهویائو اوخذا شیَئوتَناچا

● برگردان به فارسی:

«بهترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد زیرا خدای دانا از پرتو راستی به وی فراوانی جهان مینوی و مادی و زندگانی نیک برای همیشه ارزانی داشته است و حتی کسانی که باوی دشمنی می‌ورزیدند اکنون گفتار و کردار دین بهی را آموخته‌اند».

اشو زرتشت پیام جاودانه‌ی راستی را به جهانیان پیشکش کرد و در سن ۷۷ سالگی هنگامی که با یارانش در نیایشگاه نوش‌آذر، به پرستش پروردگار مشغول بود، رهسپارِ مینوگردید. آنگاه یاران و پیروانش بر آن شدند تا آموزش‌های گات‌ها را به کار گیرند. آنها کوشش کردند تا پیام گات‌ها را به دیگران نیز آموزش دهند.

پس از اشو زرتشت **مادها** در ایران به قدرت رسیدند. مادها زمانی که در ایران به فرمانروایی رسیدند حدود ۱۰۰۰ سال از زمان پیامبری اشو زرتشت گذشته بود. این حکومت در حدود ۷۵۰ سال پیش از میلاد مسیح در ایران فرمانروایی می‌کرد.

درباره‌ی دین مردم ایران در زمان حکومت مادها، آگاهیِ زیادی نداریم در این دوران **مغان**، پیشوایانِ روحانی آن زمان، وظیفه‌ی آموزش دین و گسترش آن را به عهده داشتند. اینان با دشواری می‌توانستند به همه‌ی مردم سرزمین ایران تماس داشته باشند و آیین راستی را به آنها آموزش دهند.

بنابراین دین زرتشتی به تدریج گسترش یافت و مردم با گات‌ها آشنا شدند. کسانی که با آموزش‌های گات‌ها آشنا شده بودند آن را به دیگران نیز آموزش می‌دادند ولی با گذشت سده‌ها، پیروان اشو زرتشت نیز زیر

تأثیر باورهای بیگانگان قرار گرفتند، از آموزش‌های گات‌ها دور شدند و پاره‌ای سنت‌های خرافی را پذیرفتند هرچند باید همواره افتخار کرد که این مردم هیچ گاه پیام اشو زرتشت را فراموش نکردند.

درباره‌ی مذهب مردم عادی در هزار سال پس از درگذشت اشو زرتشت می‌دانیم که آنها آموزش گات‌ها را به شکلی درآورده بودند که از باورهای ابتدایی و کهن و پندارها و آرزوهای خود مردم بیشتر نشان داشت تا از سرودهایِ اندیشه برانگیزِ گات‌ها؛ ولی همواره پیام گات‌ها چون نگینی در دل اندیشه‌های مردم زنده ماند و به تدریج از این خرافات پاک گردید.

سنگ‌نوشته‌هایی در تخت‌جمشید وجود دارد که به زبان **فارسی باستان** است. زبان فارسی باستان زبانِ سنگ نوشته‌های هخامنشی است. این زبان گویش مردم استان فارس بوده است. خط این زبان، به خط میخی معروف است.

سنگ‌نوشته‌ها و دین مردم فارس

بررسی سنگ‌نوشته‌های هخامنشی درباره‌ی دین مردم فارس و مرکز ایران، نشان می‌دهد که در باور دینی دوران هخامنشی اهورامزدا پرستیده می‌شد و پرستندگانِ خدای دانا، خود را به پیروی از «اشا» موظف می‌دیدند پس بسیاری از مردم جهان و از جمله ایران در دوران فرمانروایی هخامنشی، پیرو پیام گات‌ها بوده‌اند. دین رسمی دوران هخامنشی یعنی دین سنگ‌نوشته‌های هخامنشی را، دین **مزده‌یسنی** گویند.

در دین مزده‌یسنی مردم دارای عقایدی بوده‌اند که همه‌ی آن را از

گات‌ها نیاموخته بودند بلکه آنها برخی باورهای قدیمی را هم قبول داشتند، به طور مثال ایزد آناهیتا و ایزد مهر را نیز ستایش می‌کردند.

پرسش

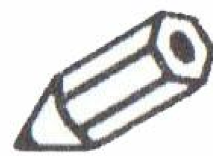
۱ - بهترین آرزوی اشو زرتشت در گات‌ها چیست؟

۲ - اشو زرتشت در چه سنی رهسپار مینو شد و پیروانش پس از وی چه کردند؟

۳ - چرا در زمان حکومت مادها دین زرتشتی به آرامی گسترش می‌یافت؟

۴ - چرا به دین دوره‌ی هخامنشی، دین مزده‌یسنی می‌گوییم؟

۵ - در آیین مزده‌یسنی غیر از گات‌ها به چه چیزهای دیگری باور داشتند؟



....

....

....

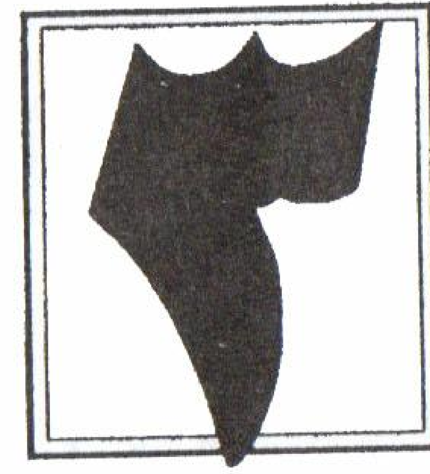
....

....

....

....

....



آیین راستی
پس از اشو زرتشت (۲)

در زمان فرمانروایی دارایِ دارایان (داریوش سوم هخامنشی) یعنی درحدود ۱۷۰۰ سال پس از پیامبری اشو زرتشت، تمام نوشته‌هایی را که به زبان اوستایی موجود بود جمع‌آوری کردند و در یک گروه نوشتار قرار دادند. گات‌ها هم چون به زبان اوستایی بود در این مجموعه قرار داده شد. از این مجموعه‌ی اوستایی دو نسخه تهیه کردند و در دو محل دور از هم نگهداری کردند.

دو محلی که اوستا را در آن نگهداری می‌کردند به نام‌های **گنج شپیکان** (در آذربایجان امروزی) و **دژنبشت** (در فارس) خوانده می‌شد. پس از یورش یونانی‌ها به ایران، اوستا به دست آنها افتاد. یونانی‌ها اوستا را به کشور خود بردند و از آن بهره گرفتند زیرا اوستای آن زمان گنجینه‌ای از دانش و هنرهای گوناگون زمان بود.

پس از یونانیان فرمانرواهای ایرانی کوشش کردند که اوستا را دوباره گردآوری کنند. در کتاب **دینکرد** درباره‌ی گردآوری اوستا آمده است که بلاش اشکانی فرمان داد تا هرچه از اوستا از گزند و یورش اسکندر به صورت نوشته و یا در یادها باقی مانده، گردآوری و نگهداری شود.

اشکانیان نزدیک ۵ سده (۴۷۶ سال) در ایران فرمانروایی کردند. در مدتی که این خاندان فرمانروایان ایران بودند آیین زرتشتی رونق داشت. در این دوران با وجود یورش بیگانگان سرودهای «گات‌ها» همچنان دست نخورده باقی ماند و پیام آن به طور فراگیر از سوی پیروان اشویی به کار گرفته شد و برای آموزش به مردم جهان جاودانه گردید.

در زمان اشکانیان غیر از دین زرتشتی، آیین دیگری هم در ایران رواج داشت که آیین مهرپرستی بود. آیین مهر در ایران و سپس در جهان دارای نفوذ بسیار بود هنوز تأثیر این آیین در بخی از ادیان جهان دیده می‌شود.

ساسانیان و گردآوری اوستا

در زمان ساسانیان بار دیگر به درخواست «تنسَر» موبدِ موبدانِ دوره‌ی اردشیر بابکان، مجموعه‌ای از اوستای پراکنده گردآوری شد.

این کتاب بزرگ درباره‌ی دانش‌های گوناگون بود. سپس گزیده‌ی آن را برای نیایش‌ها و انجام مراسم آیینی فراهم کردند و آن را «خرده‌اوستا» نامیدند. خرده‌اوستا، هم اکنون در هر نیایشگاه و خانه زرتشتی وجود دارد. این نوشته گزیده‌ای است از اوستا، همراه با افزوده‌هایی از پازند و فارسی، دلیل گنجانیدن بخش‌های پازند و فارسی آن بوده است که خواننده بتواند مفهوم بخش‌های اوستایی را درک نماید ولی به مرور، پازند فراموش شد، بنابراین بخش‌های پازند و فارسی همانند بخش‌های اوستایی نیاز به ترجمه و تفسیر دارد.

اوستای ساسانی دارای ۲۱ کتاب بوده است در اصطلاح دینی به بیست و یک کتاب اوستای دوره‌ی ساسانی بیست و یک «نسکِ اوستا» می‌گویند.

در درس‌های بعدی با مجموعه‌ی ادبیات اوستایی که هم‌اکنون در اختیار ما قرار دارد آشنا خواهیم شد.

پرسش

۱ - چرا سرودهای گات‌ها در مجموعه اوستایی جای گرفت؟

۲ - دو محلی که مجموعه اوستا در آن نگهداری می‌شد چه نام داشت؟

۳ - آیین اشو زرتشت در زمان اشکانیان چگونه پیروی می‌شد؟

۴ - ورود آیین مهر در ایران چه اثری بر دین اشو زرتشت نهاد؟

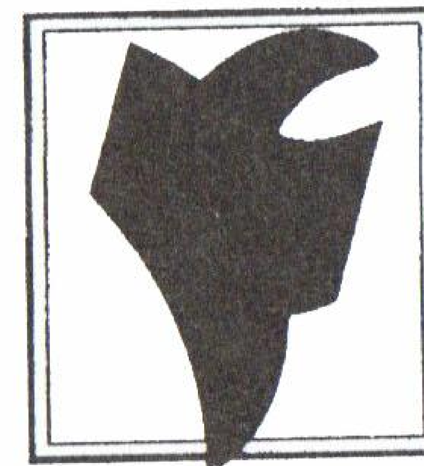
۵ - چرا گروهی از بیگانگان تصور می‌کنند که باورهای مهرپرستی مربوط به دین زرتشتی است؟

۶ - خرده‌اوستا چگونه فراهم شد؟

۷ - چرا پازند و فارسی به خرده‌اوستا افزوده شد؟

۸ - اوستای ساسانی دارای چند کتاب بوده است؟





ادبیات اوستایی و سرنوشت اوستا

پس از گردآوری و تنظیم مجموعه‌ی بزرگ اوستا در زمان ساسانیان، آنچه هم‌اکنون به نام ادبیاتِ اوستایی می‌شناسیم مجموعه‌ای از نیایش، ستایش، آموزش و دانش‌های گوناگون می‌باشد که شامل پنج کتاب است:

۱ ـ **یَسنا**: نیایش‌هایی در ستایش آفریدگار و آفریده‌هایش.

۲ ـ **ویسپَرَد**: نمازهای مربوط به رَدها و سروران و جشن‌ها.

۳ ـ **یَشت**: ادبیات مزدیسنا و گرامیداشت آفریده‌های اهورامزدا.

۴ ـ **خُرده‌اوستا**: گلچینی از نیایش‌ها و ستایش‌ها.

۵ ـ **وَندیداد**: دستورهایی پیرامون پرهیز از بدی و رعایت پاکیزگی، باورها و افسانه‌های کهن ایرانی از این میان «یسنا» به سبب این که، جز چند پاره‌ای آن، همان گات‌ها یا سرودهای اشو زرتشت است، برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد.

این پنج کتاب به زبان اوستایی است. زبان اوستایی دارای الفبایی است که آن را **دین دبیره** یا به زبان فارسی امروز «خط دینی» می‌نامیم. نام دیگر «دین دبیره» خط اوستایی است.

نوشته‌های آیینی دیگری نیز هستند که به زبان اوستایی نوشته نشده است. جدیدترین این کتاب‌ها مربوط به دستِ کم هزار سال پیش است و به زبانی‌ست که در دوران فرمانروایی ساسانی مردم با آن گفتگو می‌کردند؛ نام این زبان **فارسی میانه** است.

خطِ پهلوی خطِ نوشتاریِ زبانِ فارسی میانه است. چون بعضی از مردم بین دو مفهومِ «خط» و «زبان» تفاوتی قائل نمی‌شوند امروزه مفهوم کلمه‌ی «پهلوی» گسترش پیدا کرده به زبان «فارسی میانه» نیز گفته می‌شود. بنابراین اصطلاح زبان پهلوی نیز رایج شده است.

نوشته‌هایی که به زبانِ فارسی میانه هستند عبارتند از:

دینکرد: که مربوط به اعمال و تکالیف دینی است و در زمان خلافتِ مأمونِ عباسی (۱۹۸ تا ۳۱۸ قمری) توسط موبد موبدانِ فارس به نام **آذرباد فَرنبَغ فَرّخزادان** و پس از مرگ او توسط موبد دیگری از فارس به نام **آذرباد اُمیدان** نوشته شده است.

۲ ـ **بندهش**: که نویسنده‌ی آن موبدی است به نام فرنبغ و در اواخر قرن سوم هجری نوشته شده است.

«بندهش» دارای سه موضوع است:

۱ ـ آفرینش جهان

۲ ـ طبیعت جانوران زمین

۳ ـ تاریخ استوره‌ای ایران

غیر از این دو نوشته، کتاب‌هایِ آیینی دیگری هم به زبان فارسی میانه وجود دارد. این کتاب‌ها و رساله‌ها هرچند در مجموعه‌ی ادبیات آیینی سرزمین ایران جای دارند ولی چون افکار و باورِ برخی مردم آن زمان هستند نوشته‌ها را نباید با پیام اشو زرتشت برابر دانست زیرا گات‌ها پیام

جاودانی اشو زرتشت، راهگشای زندگی مردم جهان است در حالی که سایر ادبیات دینی دارای مطالبی هستند که مربوط به باورها، سنّت‌ها و چگونگی زندگی ایرانیانِ پیش از اشو زرتشت و دیگر اقوام هستند و در پذیرفتن آنها باید به بند دوم از سرود سوم «اهنودگات» توجه داشته باشیم.

سرَئوتا گِئوش‌آئیش وَهیشتا
اَوَئِنتا سوچا مَنَنگها
آوَرنائو ویچی‌تَههیا
نَرِم نَرِم خوَخیائی تَنوی
پَرا مَزِ یائونگهو
اَهمائی نِ سَزْدیائی بَئودَنتو پَئیتی

● برگردان به فارسی

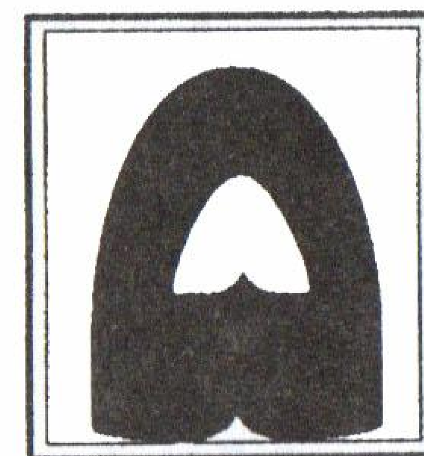
پس بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید
با اندیشه روشن به آن بنگرید
سپس هر مرد و زن از شما
از این دو راه (نیکی و بدی)
یکی را برای خود برگزینید.
این آیین را پیش از آنکه روز بزرگ
فرا رسد دریابید و گسترش دهید.

دانش‌آموزان عزیز! توجه داشته باشند بندهای گات‌ها و ترجمه آن به عنوان یادگیری آمده است و از بَر نمودنِ آن اختیاری است.

؟ پرسش

۱ - چرا یسنا از قسمت‌های دیگر اوستا مهم‌تر است؟
۲ - نام‌های مختلف خط دینی زرتشتی چیست؟
۳ - خط و زبان فارسی‌میانه در چه دوره‌ای رایج بود؟
۴ - «دینکرد» و «بندهش» چه نوشته‌هایی هستند؟
۵ - تفاوت ادبیات اوستایی با پیام اشو زرتشت چیست؟





زند و پازند

دین زرتشتی برای آموزش، ارزش بسیاری قایل است، ما، زرتشتیان، پیامبرِ بزرگِ خود، اشو زرتشت، را آموزگار دین می‌نامیم.

اشو زرتشت در اهنودگات می‌فرماید:

اَهمائی اَنگهَت وَهیشتِم
یِ موئی ویدوائو وَئوچات هَئیتیم
مانترِم ییم هئوروَتاتو
اَشَهْیا اَمِرتاتَس‌چا
مزدائو اَوَت خْشَترِم
هیَت هوئی وُهو وَخْشَت مَنَنگها

● برگردان به فارسی

بهترین نیکی به دانشمندی برسد
که پیام راستین مرا
پیامی که از روی آیین و راستی
به رسایی و جاودانی به کمال بی‌زوال می‌رساند

به مردم برساند و بفهماند
برای چنین کسی شهریاری خدای دانا
در پرتو منش نیک گسترش پیدا خواهد کرد.

«یسنا ۳۱ بند ۶»

این سرود و سرودهایِ دیگرگات‌ها و همچنین گفتار و کردار پیشوایان دین نشان می‌دهد که آموزش و درک پیام اشو زرتشت تا چه اندازه برای زرتشتیان مهم است.

زند و اوستا

تاریخ دین ما نیز گواه دیگری است بر اهمیت آموزشِ پیامِ راستی به دلیل اهمیتی که آموزش اوستا به صورت درست آن برای ما دارد. در زمان اشکانیان و ساسانیان، برای آنکه مردم اوستا را بهتر بفهمند، موبدها راه چاره‌ای اندیشیدند در آن زمان مردمِ عادی به زبان اوستایی چندان آشنا نبوده و با آن گفتگو نمی‌کردند و تنها موبدها با زبان اوستایی آشنایی داشتند، آنها برای این که مردم نیز پیامِ اوستا را بهتر درک کنند همه‌ی اوستای موجود را به زبان رسمی آن زمان یعنی زبان «فارسی‌میانه» (پهلوی) ترجمه کردند.

ترجمه‌ی اوستا به زبان «فارسی‌میانه» را **زندِ اوستا** می‌گویند. بنابراین **زند**، ترجمه همراه با تفسیرِ اوستا به زبانِ فارسی میانه بود.

زندِ اوستا مهمترین قسمتِ بازمانده از ادبیات آیینی زرتشتی به زبان فارسی میانه است. امروزه زندِ گات‌ها، زندِ یسنا، زندِ یشت‌ها و زند وندیداد هنوز در دست است.

حال که آموختیم «زند اوستا» چیست بهتر است معنی پازند را نیز بیاموزیم.

خط پهلوی یعنی خطی که زبانِ «فارسی میانه» با آن نوشته می‌شده است، خط بسیار دشواری بود. بنابراین موبدها و نویسندگان و دبیران دوره‌ی ساسانی ضمن بررسی و برای هماهنگی آن با خط اوستایی یعنی «دین دبیره» دست به یک ابتکار هوشمندانه‌ای زدند. بسیاری از کتاب‌هایی را که به زبان فارسی میانه بود، به جای آن که با خط پهلوی بازنویسی کنند به خط اوستایی نوشتند و این برگردان را «پازند کردن» می‌گویند.

به عبارت دیگر **پازند** یعنی بازنویسیِ نوشته‌های فارسی میانه به خط اوستایی است.

پرسش

۱ ـ آموزگارِ دین به چه کسی لقب داده شده است؟

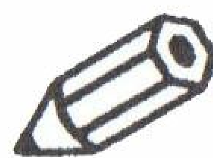
۲ ـ اهمیّتِ آموزش در دین زرتشتی چگونه مشخص می‌شود؟

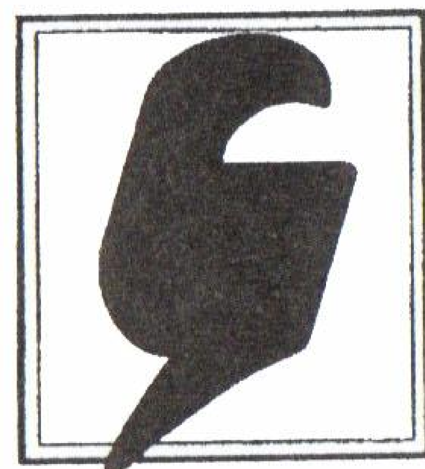
۳ ـ چرا در زمان ساسانی مردم زبان اوستایی را نمی‌فهمیدند؟

۴ ـ چرا موبدهای زمان ساسانی اوستای موجود را به زبان فارسی میانه ترجمه کردند؟

۵ ـ زبان مردم در زمان ساسانی چه نام داشت ؟

۶ ـ زند و پازند چرا به وجود آمدند؟





مانی و مزدک

دو پدیده نوین در زمان ساسانیان

در درس‌های پیش مطالبی درباره‌ی سنگ‌نوشته‌ها آموختیم؛ در آن درس خواندیم که در زمانِ ساسانیان مردمِ نواحی فارس در ایران کیش مزده‌یسنی داشتند. یعنی با وجودی که اهورامزدا را ستایش می‌کردند باورها و اعتقادهای دیگری هم داشتند که با آموزش‌های اهورایی گات‌ها هماهنگ نبود. در این زمان مردم با پیام گات‌ها آشنا بودند و برای به کارگیری و گسترش آن کوشش می‌کردند. در این مرحله از زندگی جامعه‌ی بشری، گستردگی پیام اشو زرتشت بسیار زیاد بود و به تدریج تمام اندیشه‌های مردم بر سرزمین‌های همسایه ایران را نیز دربرگرفت. دین زرتشتی در ایران در دوره اشکانی و ساسانی گسترش و نفوذ بسیار یافت.

در فرمانروایی ساسانیان **مانی** و **مزدک** با آمیختگی آموزش‌های زرتشتی و مسیحی و حتی بودایی و عقاید دیگر اقوام، دو پدیده به نام کیش مانی و مزدک را اعلام کردند.

ولی مردم و پیشوایان دین با توجه به آموزش‌های گات‌ها که زرتشتیان را به سوی تازه گردانیدن جهان فرا می‌خاند کوشش کردند تا دین اهورایی زرتشتی را بازشناسند و سفارش‌های آن را به کار بندند. برای روشن شدن مطلب، نگاهی کوتاه به کیش مانی و کیش مزدک خواهیم داشت.

مانی

مانی در اوایل قرن سوم میلادی به دنیا آمد و هنگامی که او کیش خود را اعلام کرد این کیش مورد توجه برخی قرار گرفت.

کیش مانوی ترکیبی بود از دین‌های مهم منطقه‌ی نفوذ حکومت ساسانی، این آیین از مکتبِ فلسفیِ یونانی به نام «فنوسی» بهره گرفت و سرودهای دینی بابلیان، آیین بودایی، آموزش‌های مسیحی و اندیشه زرتشتی را به کار گرفت تا کیشی جدید را بوجود آورد.

پس از مرگ شاپور اول ساسانی، مانی را محاکمه و اعدام کردند. کرتیر موبد بزرگ زمان ساسانی، که صاحب بزرگترین قدرت در زمان خود بود یکی از خدمت‌های خود را برانداختن، مانویان برمی‌شمارد. پس از این که پیروان آیین مانی از بین رفتند حدود دو قرن پس از آن بار دیگر جنبش مذهبی تازه‌ای به نام مزدکی در ایران پاگرفت. این جنبش بیشتر یک حرکت اجتماعی در جهت براندازی نابرابری‌ها بود تا یک آیین تازه برای مردم.

مزدک

مزدک پسرِ بامداد، موبدِ موبدان بود کیش خود را برای آشتیِ بین مردم که بر علیه حکومت ساسانی دست به شورش زده بودند به مردم و حکومت تقدیم کرد. او از آمیختن کیش مانی و دین زرتشتی و پاره‌ای عقاید افلاطون، کیشی تازه آورد و پیروان بسیار پیدا کرد. مزدک کیش

خود را به قباد پدر انوشیروان معرفی کرد. بعداز مرگ قباد، فرزندش انوشیروان پس از اعدام مزدک در سال ۵۲۹ میلادی دستور کشتار پیروان او را نیز صادر کرد و به این ترتیب پیروانِ مزدک نیز از بین رفتند. آنچه درباره‌ی کیش مانی و مزدک گفته شد تنها گوشه‌هایی از تاریخ و فلسفه این دو آیین ساختگی بود و ازنظر پیروان دین زرتشتی گرایش مردم به این دو کیش تنها به دلیل تحریف شدن و آمیخته شدن دین زرتشتی با باورهای گوناگون دیگر دین‌ها در دوران ساسانی بوده است. خسرو انوشیروان با مهارت و زیرکی، مزدکیان را نابود کرد تا در عمل هرگونه افکار غیرگاتهایی که در جامعه‌ی ایران ممکن است پدیدار شود و آزاداندیشان زرتشتی را به سوی گمراهی و کژاندیشی رهنمون سازد از میان بردارد.

ما چیش اَت وِ دِرگوَتو
مانْتهرانْس‌چا گوشتا ساسنائوس‌چا
آزی دِمانِم ویسِم وا
شوئیتهرِم وا دَخیوم وا آدات
دوشیتاچا مَرِکَئِچا
اَتها ایش سازدوم سْنَئی‌تهیشا

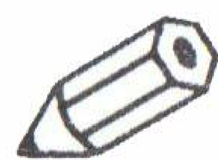
● برگردانِ به فارسی

پس هیچ کس از شما
به آیین و آموزش دروغکار گوش ندهد
زیرا او بیگمان خانه و ده و شهر و کشور را
آزار و آسیب می‌رساند

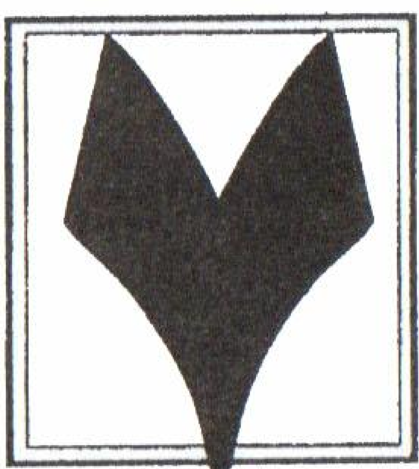
و حتی مرگ می‌آورد. پس اورا با اسلحه وافزار چنان درست کنید که از کار خود بازآید و به راه آید.

پرسش

۱ ـ مانی در زمان فرمانروایی کدام دوره کیش خود را اعلام نمود و عاقبت کار وی چه بود؟
۲ ـ چرا فرمانروایان ساسانی از کیش مانی استقبال کردند؟
۳ ـ مانی چگونه کیش تازه را بوجود آورد ؟
۴ ـ مزدک چرا کیش خود را به حکومت و مردم تقدیم داشت؟
۵ ـ پیروان آیین زرتشت چه عقیده‌ای درباره کیش مانی و مزدک دارند؟
۶ ـ کیش مانی بر چه باورهایی بود؟
۷ ـ انوشیروان چه انگیزه‌ای مزدکیان را نابود ساخت؟
۸ ـ اشو زرتشت درباره کسانی که آموزش‌های دروغین می‌پراکنند چه می‌گوید؟



....
....
....
....
....
....



دین، مراسمِ سنتی، نماز

واژه‌ی اوستایی «دین»، **دئنا** است؛ یعنی «نیرویِ تشخیص خوب از بد» و کسی دین‌دار است که این نیرو را در خود پرورش دهد و همواره نیکی را برگزیده و در زندگی به کار گیرد. پس باید به مراسم و جشن‌هایی که در هر سال برپا می‌داریم «مراسم سنّتی» گوییم نه مراسم دینی؛ زیرا سنّت‌ها توسط ملت‌ها درگذرِ زمان و بنا به نیازهایِ انسان‌ها شکل گرفته است. ما زرتشتیان افتخار می‌کنیم که همواره پاسدار برگزاری مراسم سنّتی و ملّی و جشن‌های گوناگون در تاریخ سرزمین ایران بوده‌ایم.

نماز

یکی از بایستنی‌هایی که در مراسم سنّتی انجام می‌گیرد **نماز** است. نماز به صورت فردی یا دسته‌جمعی برگزار می‌شود و در هر صورت تنها در گفتار و کلام نمی‌گنجد بلکه نخست اندیشه و ایمان نیک را لازم دارد و پس از آن گفتار و کردار درست کامل کننده‌ی نیایش زرتشتی است. نیایش‌های جمعی بیشتر در جشن‌ها برگزار می‌شود.

جشن

واژه‌ی جشن از کلمه‌ی اوستایی **یَسنَه** آمده و این کلمه از ریشه‌ی «یز» اوستایی مشتق شده است و «ستایش کردن» معنی می‌دهد. بنابراین واژه‌ی جشن به معنی ستایش یا نیایش و پرستش است.

در سنّت‌های زرتشتی، شرکت در برخی از جشن‌ها مانند گاهنبارها، بایسته شمرده می‌شود. در مراسم ویژه درگذشتگان نیز نیایش‌ها و سرودخوانی‌ها به صورت گروهی برگزار می‌شود.

مویه و زاری

مویه و زاری در سنّت ما زرتشتیان پسندیده نیست و غم و سوگواری نکوهیده شمرده شده است و به جای آن شاد بودن در تمام لحظه‌های زندگی سفارش شده است.

نیایش همگانی

نیایش‌های همگانی بیشتر در جشن‌های سنّتی انجام می‌شود و شکوه برپایی این جشن‌ها به دلیل اهمیّتی است که نیایش‌های همگانی دارند.

فایده برگزاری جشن‌ها و انگیزه جشن‌ها

برگزاری جشن‌های سنّتی و شیوه‌ی آن موجب شده است که زرتشتیان همواره ستایشگر آزادگی، نیرومندی، راستی و نیکوکاری باشند و در بین آنها تنبلی، بیکاری، ریاضت‌کشی، گوشه‌نشینی، دریوزگی، تجرد و رهبانیّت ناپسند باشد. در حالی که کار و کوشش و تلاش در راه آموختن دانش و هنر، راه و رسم زندگی زرتشتیان است و با این نگرشِ به زندگی، زرتشتیان همواره انسان‌هایی با فرهنگ و ادب و گسترش دهنده‌ی ارزش‌هایِ نیک انسانی هستند.

عمر برخی از جشن‌ها و سنّت‌هایِ ایرانی گاهی با عمر ملّت و مردم سرزمین ایران برابر است. پاره‌ای از جشن‌ها مانند نوروز، سده، مهرگان و گاهنبارها ریشه در پدیده‌های طبیعی دارند و با فرهنگ این ملّت آمیخته شده‌اند و برخی از جشن‌ها به صورت ماهیانه برگزار می‌شوند.

جشن‌های ماهیانه

جشن‌های ماهیانه شامل دوازده جشن در هر سال است به این ترتیب که هرگاه نام روز و نام ماه با هم برابر شود آن روز را جشن می‌گیریم مانند روز فروردین در ماه فروردین که جشن فروردینگان نام دارد و به همین ترتیب جشن‌های تیرگان، مهرگان، اسفندگان و غیره.

گهنبارها

گهنبارها، جشن‌های دیگری هستند که در فصل‌های گوناگون سال و در شش هنگام برپا می‌گردند. واژه گاهنبار یا گهنبار در فارسی‌میانه به صورت «گاهی‌انبار» یا «گاسان‌بار» آمده است. معنی این واژه «زمان انبار کردن» است و در مواردی زمان بار عام و گردهم‌آیی بوده است. واژه‌ی «یائیریه» در اوستا گاهنبار را می‌رساند. این واژه از ریشه «یاره» آمده است که به معنی سال است یعنی جشن‌های مربوط به فصل‌های سال.

گاهنبارها در آغاز پیدایش درگذشته‌های دور سرزمین ایران، جشن

کشاورزی و دامپروری بوده است. بنابراین به هر مناسبتی و هر تغییر و تحولی در طبیعت و زندگی کشاورزی و دامپروری جشن گهنبار برپا می‌شده است. زمان برگزاری هر گهنبار را **چهره** می‌گویند. دیگر انگیزه گهنبار را شش دوران آفرینش (آسمان، آب، زمین، گیاه یا رستنی، جانوران و انسان) می‌دانند:

چهره میدیوزرم (از روز خور تا روز دی به مهر در ماه اردیبهشت) واژه‌ی میدیوزرم به معنیِ میان بهار است و این جشن در میان بهار هر سال برپا می‌گردد.

چهره میدیوشَهم (از روز خور تا روز دی به مهر در ماه تیر) به معنی میان تابستان است.

چهره پیته‌شهم (از روز اشتاد تا روز انارام در ماه شهریور) واژه‌ی پیته‌شهم به معنی پایان تابستان است.

چهره اَیاسَرِم (از روز اشتاد تا روز انارام در ماه مهر) این واژه به معنی آغاز زمستان است و در آن هنگام برپا می‌شود.

چهره مَیدیاریم (از روز مهر تا روز ورهرام در ماه دی) واژه‌ی میدیاریم به معنی میان زمستان است.

چهره همس پَت‌میدیم، این گاهنبار در پنج روز پایان هر سال که روزهای اهنود، اشتود، سپنتمد و خوخشترو و هیشتوایش نام دارد برگزار می‌شود و به آن **گاهنبار پنجه** نیز می‌گویند. واژه همس‌پت‌میدیم به معنی برابری شب و روز آمده است.

نوروز

نوروز بزرگترین جشن زرتشتیان است، جشن بیداری طبیعت و تازه شدن زندگی است، ایرانیان این جشن را از زمان‌های دور گرامی داشته و برپا می‌دارند.

در شاهنامه‌ی فردوسی این جشن را نخستین بار جمشید پیشدادی برگزار کرد به همین دلیل آن را نوروز جمشیدی نیز می‌خوانند. شکوه این جشن هماهنگ بودن آن با جشن طبیعت و آغاز بهار است. در گاه‌شماریِ زرتشتی، نوروز آغاز سال دینی و گاه‌شماری است در سالنمایِ زرتشتی هر ماه دارای سی روز است و هر روز نام ویژه‌ای برای خود دارد و هر سال به دوازده ماه تقسیم شده است که شروع آن ماه فروردین آغاز بهار و سال خورشیدی است .

روز خورداد از ماه فروردین (ششم فروردین) یکی از روزهای خجسته در بین زرتشتیان است زیرا دراین روز پیام‌آور راستی، اشو زرتشت دیده به جهان گشود و سی سال بعد نیز پیام یکتاپرستی را از سوی اهورامزدا به مردم جهان رساند.

سده

جشن‌های دیگری نیز از سوی زرتشتیان در هر سال انجام می‌گیرد که درباره‌ی رویدادهای ارزشمندی در تاریخ ملّت سرافراز ایران است مانند جشن سده که جشن پیدایش آتش است و در روز مهر از ماه بهمن یعنی دهمین روز ماه بهمن برگزار می‌شود. زرتشتیان یافتن و در اختیار گرفتن آتش را انقلابی سرنوشت‌ساز در زندگی انسان می‌دانند و کشف آن را

بزرگترین پدیده‌ی زندگی می‌دانند. در شاهنامه فردوسی و برخی نوشته‌های اوستایی پیدایش آتش را به هوشنگ پیشدادی نسبت می‌دهند.

پرسش

۱ - چرا اصلاح مراسم سنتی به کار می‌بریم؟

۲ - واژ دین از کجا آمده است و معنی آن چیست؟

۳ - نیایش یک زرتشتی چگونه کامل است؟

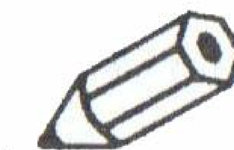
۴ - واژه‌ی جشن را تعریف کنید؟

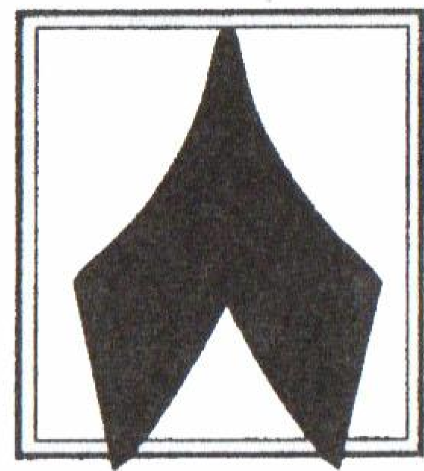
۵ - برگزاری جشن‌ها چه امتیازهایی را برای زرتشتیان داشته است؟

۶ - گاهنبارها در آغاز با چه انگیزه‌ای بوجود آمده‌اند؟

۷ - چهره‌های گاهنبار را نام ببرید؟

۸ - جشن سده و زمان برگزاری آن را بیان کنید؟





گاه‌شماری
(تقویم زرتشتیان)

بشر از دیرزمان، گذشت زمان را از روی پدیده‌های طبیعی مانند تغییر آب و هوا در فصل‌های گوناگون سال درک کرده بودند. ساده‌تر آنکه طلوع و غروب خورشید، گردش ماه و ستارگان آسمان را مشاهده کرده و به این ترتیب زمان را برای خود بخش‌بندی کرده بودند.

انسان‌ها از چه دوره‌ای زمان را درک کرده و به کار برده است؟ به طور دقیق مشخص نیست ولی روشن است که بشر از دوران غارنشینی مفهوم زمان را می‌شناخته است.

در گزارش اوستا چنین آمده است که اشو زرتشت از ستاره‌شناسی آگاهی زیادی داشته است و یکی از کارهایی که اشو زرتشت انجام داد این بود که رصدخانه‌ای را بنیان گذاشت و آسمان را بررسی کرد.

برپایه‌ی پژوهش‌های استاد ذبیح‌الله بهروز و بررسی‌های زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی که بر روی لهجه و زبان «گات‌ها» انجام گرفته است؛ اشو زرتشت، پیام‌آور ایرانی، در ۱۷۳۸ سال پیش از میلاد مسیح به پیامبری برگزیده شد و پیام یکتایی را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. زرتشتیان این گاه‌شماری را «تقویم دینی» می‌خوانند. شروع هر سال دینی در روز اورمزد

از ماه فروردین است. تقویم دینی زرتشتی دارای ۱۲ ماه سی روزه و پنج روز پنجه در آخر هر سال است و چهار سال یکبار نیز یک روز به نام «اَوَرداد» یعنی «روز اضافی» به این گاه‌شماری اضافه می‌گردد.

نام ۱۲ ماه

نام دوازده ماه زرتشتی به ترتیب: فروردین، اردی‌بهشت، خورداد، تیر، اَمرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن، اسفند می‌باشد.

نام روزهای ماه

در گاه شماری زرتشتی هر روز نام ویژه‌ای دارد که به ترتیب عبارتند از: اورمزد، وَهمَن، اَردیبهشت، شهریور، سِپندارمز، خورداد، اَمرداد، دی‌بآذر، آذر، آبان، خور، ماه، تیر، گوش، دی‌بمهر، مهر، سروش، رَشن، فروردین، وَرَهرام، رام، باد، دی‌بدین، دین، اَرد، اَشتاد، آسمان، زامیاد، مانتره‌سپند و اَنارام.

پنج روز پنجه

پنج روز اضافی پایان سال که به «پنج روز پنجه» نیز معروف هستند به نام‌های اَهنود، اُشتَوَد، سِپَنته‌مد، وهوخشتر، وهیشتوایش نامیده می‌شود. از آنجا که این اسامی بخش‌های پنج‌گانه گات‌ها هستند به ماه این پنج روز ماه «گاتابیو» می‌گویند.

تا چندی پیش غیر از گاه‌شماری دینی، تقویمکی به نام تقویم قدیمی و سال دو فصلی نیز در میان زرتشتیان رواج داشته است.

پیدایش این گاه‌شماری چنین بوده است که در میان قبیله‌های آریایی پیش از حرکت به سوی فلات ایران، یک سال دارای دو فصل بود. تابستان هفت ماهه و زمستان پنج ماهه در مقایسه با تقویم امروز ایران، تابستان از اول فروردین آغاز می‌شد و تا آخرین روز ماه مهر ادامه داشت و زمستان نیز شامل آبان، تا پایان اسفند بود. به این دو فصل تابستان بزرگ و زمستان بزرگ می‌گفتند ولی بعدها که آریایی‌ها به ایران وارد شدند سال دارای چهار فصل بهار، تابستان، پاییز، زمستان گردید. به طورکلی هر سالی که ۳۶۵ روز و ۶ ساعت دارد در ایران باستان دارای ۱۲ ماه و هر ماه شامل ۳۰ روز بوده که ۳۶۰ روز سال را تشکیل می‌دهد و پنج روز اضافی در هر سال ماه گاتابیو و روزهای پنجه نامیده می‌شود.

کبیسه

در زمان ساسانیان شش ساعت اضافی در پایان هر سال را هر ۱۲۰ سال یک بار جمع کرده و یک ماه به سال صدوبیستم اضافه می‌کردند. بدین ترتیب آغاز سال را با آغاز بهار (برابر شدن شب و روز) برابر و هماهنگ می‌کردند. این گاه‌شماری تا هنگام یورش تازیان به ایران ادامه داشت ولی پس از آن به دلیل پراکندگی زرتشتیان به ویژه موبدانی که این گاه‌شماری را در آتشکده‌ها نگهداری می‌کردند ادامه آن فراموش شد و چون بعداز هر ۱۲۰ سال ماه اضافی به سال آخر اضافه نگردید اول فروردین که باید مطابق با آغاز سال نجومی (برابر شدن شب و روز) باشد تغییر کرد تا اکنون که ماه فروردین آن زمان با ماه اَمرداد در گاه‌شماری جدید برابر شده است. این روش اشتباه در گاه‌شماری از زمان ساسانیان

تاحدود نیم قرن پیش ادامه داشت. تنها زرتشتیانی که در آن زمان به هندوستان مهاجرت کردند پس از ۱۲۰ سال اول، یک ماه به سال آخر اضافه کردند ولی پس از آن این حساب به فراموشی سپرده شد. بنابراین تقویم زرتشتیانِ هندوستان (پارسیان) یک ماه دنبال‌تر از تقویم قدیم زرتشتیان ایران است تا سرانجام با کوشش عده‌ای از دانشمندان و موبدان پارسی، گاه‌شماری زرتشتی دوباره بازیابی و متداول گردید و گاه‌شماری فصلی نام گرفت. این تقویم از هر سو کامل‌تر و گویاتر از تقویم قدیم است.

پیش از آنکه در سال ۱۳۰۴ تقویم فصلی کنونی رایج گردد زرتشتیان تقویم یزگردی داشتند که ده سال با سال خورشیدی فرق دارد.

در بررسی نوشته‌های اوستایی به این نتیجه می‌رسیم که گاه‌شماری زرتشتی هم به حرکت ماه بستگی داشته است و هم گاه‌شماری خورشیدی بوده است. این نکته به این معنا است که نیاکان ما از دانش ستاره‌شناسی آگاهی کامل داشته و هردونوع گاه شماری را می‌شناختند.

؟ پرسش

۱ ـ چگونه انسان‌ها در قدیم زمان را برای خود بخش بندی کرده بودند ؟

۲ ـ زمان پیامبری اشو زرتشت چگونه مشخص شده است؟

۳ ـ تقویم دینی زرتشتیان چگونه است؟

۴ ـ تقویم روز و ماه قدیم چگونه بوجود آمده است؟

۵ ـ نام روزهای هر ماه را بیان کنید؟

۶ ـ نام روزهای پنجه کدام است؟

۷ ـ چه روزی از تقویم زرتشتی اورداد خوانده می‌شود؟

۸ ـ جه روزهائی موسوم به ماه گاتابیو می‌باشند؟

۹ ـ در مورد تقویم قدیمی و سال دو فصلی توضیح دهید؟

۱۰ ـ پیش از تقویم فصلی کنونی که در ۱۳۰۴ رایج گردید زرتشتیان چه تقویمی داشتند؟



....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

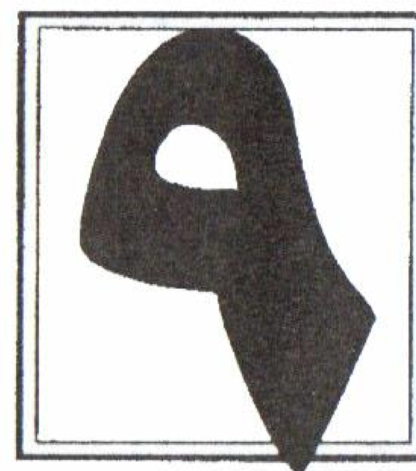
....

....

....

....

....



راهنمایی و رهایی

بیاموزید و بیاموزانید

اساس دین زرتشتی بر آموزش قرار گرفته است. بر هر زرتشتی بایسته است که هر آنچه از روی نیکی است بیاموزد سپس آموخته‌های خود را به دیگران نیز یاد دهد. اهورامزدا بزرگترین جایگاه مینوی را به آموزگار راستی نوید می‌دهد. اشو زرتشت خود لقب «آموزگار دین» را دارا است.

آموزگارِ راستی در دینِ زرتشتی به کسانی گفته می‌شود که کوشش می‌کنند راه راست و سودمند را چه در زندگی مادی و چه در زندگی مینوی به مردم نشان دهند و آنها را یاری کنند تا آنچه نیک و براساس قانونِ اَشا می‌باشد بیاموزند و به آن رفتار کنند.

اگر کسی از راه اشویی دور شده باشد و در زندگی مادی و مینوی خود به ناپاکی و دروغ گرایش داشته باشد وظیفه یک زرتشتی نسبت به او چیست؟

پاسخ را در پیام گات‌ها بررسی می‌کنیم و درمی‌یابیم که هر زرتشتی با سفارش پیامبران باید انسان گمراه را یاری کند و او را به سوی اشویی و راستی رهنمون سازد.

در گات‌ها آمده است:

اَت یِ اَکِم دْرِگوائیتِ
وَچَنگها وا اَت وا مَنَنگها
زَستوئی‌بیا وا وَرِشَئیتی
وَنگهائو وا چوئیتَئیتِ اَستیم
توئی وارائی رادِنتی
اَهورَهیا زَئوشِ مزدائو

● برگردانِ به فارسی

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار
دروغکار را از کارهایش بازمی‌دارد
و یا به او نیکی می‌آموزد و راه می‌نماید
وظیفه‌ی خود را از روی باور و ایمان
و برای عشق به خدای دانا انجام می‌دهد

گات‌ها، هات ۳۳ بند ۲

هر زرتشتی در موقع سُرایش گات‌ها از خدا می‌خواهد که او را **اَشوَن** سازد و یاری کند تا وظیفه‌ی راهنمایی مردم را به خوبی انجام دهد. روشن است که اگر فردی گمراه نشده باشد، آموزش دادن به او دشوار نخواهد بود. راهنماییِ کسی دشوار است که از راه «اشویی» دور افتاده باشد و به گمراهی گرویده باشد. در مورد چنین کسی اشو زرتشت به ما سفارش می‌کند که با وجود همه‌ی سختی‌ها فرد گمراه را به سوی قانونِ اَشا راهنمایی کنیم. اساس پیام اشو زرتشت این است که مردم را آموزش دهیم و گمراه

شوندگان را به سوی اشویی هدایت و راهنمایی کنیم. در آیین زرتشتی برای پیوستن به راستی هرگز دیر نیست و هر فرد می‌تواند در هر زمان به خومد آید و چنانچه از راه راست فاصله گرفته است دوباره کوشش کند تا به هنجار راستی برسد. از سوی دیگر وظیفه‌ی هر زرتشتی است که از راه گفتار و منطق و کردار خود گمراهان را از تباهی رهایی دهند و آنان را به سوی اندیشه و گفتار و کردار نیک فرا خوانند و به گمراه شوندگان نشان دهند که بازگشت از ناراستی و گرویدن به راستی هرچند دشوار به نظر می‌رسد ولی چون پس از این بازگشت یعنی رهایی از دروغ و بدی و ناپاکی جلوه‌های پاکی باارزش است. دشوارترین کارها، آسان‌ترین و دلچسب‌ترین کارها خواهد بود. کسی که از تباهی و دروغ و کژاندیشی دور شود و با آیین راستی هماهنگ گردد با دانایان راست اندیش همراه و همازور خواهد شد تا در سازندگی و آبادانی و پیشرفت جهان هستی شرکت کند.

پرسش

۱ ـ آموزگار دین لقب کیست؟

۲ ـ اهورامزدا به آموزگاران راستی چه نویدی می‌دهد؟

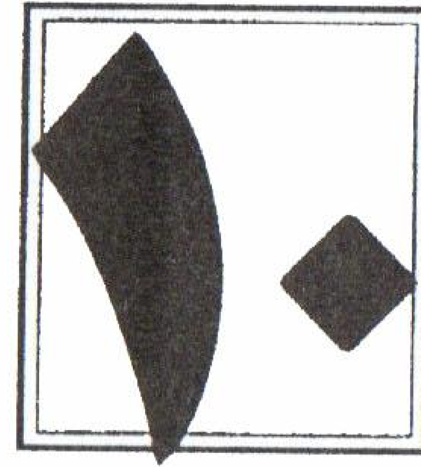
۳ ـ غیر از اشورزرتشت به چه کسانی آموزگار دین گفته می‌شود؟

۴ ـ هر زرتشتی در هنگام سرایش گات‌ها از خدا چه می‌خواهد؟

۵ ـ آموزش‌های اشو زرتشت درباره‌ی گمراهان چیست؟

۶ ـ اشون به چه کسی گفته می‌شود و وظیفه او چیست؟





مانترن

کتاب دینی زرتشتیان **گات‌ها** یا **گاهان** پیامِ اشو زرتشت است که گات‌ها به زبان‌های اوستا و سنسکریت به معنی «سرودِ پاک» است.

گات‌ها دارای هفده سرود است که آنها را اشو زرتشت سروده است. این هفده سرود دارای وزن شعری و آهنگ بوده و نخستین ادبیات شعرگونه جهان به حساب می‌آید.

غیر از گات‌ها سرودهای دیگری نیز به نام **هفت هات** وجود دارد که دنباله‌ی پیام اشو زرتشت است. هفت هات توسط یاران و شاگردانِ او یعنی نخستین آموزگارانِ دینی پس از اشو زرتشت سروده شده است.

بیگمان سرودهای گات‌ها، پیام و خواسته اهورامزدا است که توسط اشو زرتشت به انسانها رسیده است.

در ادیان آسمانی برای وی شرایطی وجود دارد و اغلب فرشتگان دستورات خداوند را به پیامبر رسانده‌اند. در دین زرتشتی وحی به این شکل انجام نشده است. گفتارهای اخلاقی که اشو زرتشت بر زبان آورده است از روی الهام و دل آگاهی است که از روی یافته‌های پیامبر در طبیعت با یاری «وهومن» بوده است. «وهومن» یعنی «منشِ نیک و رَسا» و یکی از ویژگی‌های اهورامزدا است.

اشو زرتشت تنها یک بار خود را پیامبر خوانده است و آن هم فرموده است: «من پیام تو را ای اهورامزدا به مردم خواهم رساند».

اشو زرتشت همواره خود را **مانترن** می‌نامد. **مان** یا **مَن** یعنی «برانگیختنِ اندیشه» است. واژه‌ی منش و شنیدن هم خانواده آن است واژه «من» در اوستا به معنی «اندیشیدن» است و کلمه‌ی «وهومنه» یعنی نیک‌اندیشی است.

«مانترن» به معنی کسی است که نیروی اندیشه کردن موجود در هر انسان را به کار می‌گیرد یا به عبارتی وجدان شخص را بیدار می‌سازد و مانترن، یعنی کسی که اندیشه کردن از روی راستی را به مردم آموزش می‌دهد.

در دین زرتشتی مهم آن است که خود بیندیشیم و نیکی را برگزینیم نه آنکه هر جهان‌بینی را کورکورانه بپذیریم. باید درباره‌ی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک فکر کنیم. ما چشم بسته و بدون بررسی و اندیشه کردن راه پیروی از اشا را انتخاب نمی‌کنیم بلکه راه راست را اندیشه ما با شناخت آن راه برمی‌گزیند.

اشو زرتشت که ما او را پیام‌آور راستی می‌نامیم خود را بیدارکننده و برانگیزآینده‌ی اندیشه‌ها می‌نامد زیرا اشو زرتشت در پیام خود ما را سفارش می‌کند تا اندیشه‌ی خود را به کار اندازیم و از روی خردمندی بهترین‌ها را انتخاب کنیم.

اشو زرتشت باور دارد که باید پیام راستین اهورایی را برای رسایی و جاودانی آموخت و سپس آن را به دیگران سفارش کرد. او برای چنین اشخاصی بهترین نیکی آرزو می‌کند.

اشو زرتشت توسط آموزش‌های خویش انسان را یاری می‌دهد تا او خود بیندیشد. از روی گات‌ها می‌فهمیم که بیدارکردن و به حرکت درآوردن اندیشه‌ی مردم و این که راه اندیشیدن را یاد بگیرند کاری است که «مانترن» یا پیام‌آور باید انجام دهد.

اهورامزدا اندیشه‌ی پیامبر را برانگیخته و اشو زرتشت با اندیشه‌ی بیدار خود، پاسخ پرسش‌های همه‌ی انسان‌ها را از آغاز تا انجام دریافته است و از واژی اوستایی «وهومنه» و یاری گرفتن از آن درمی‌یابیم که پیام اهورایی به اشو زرتشت الهام گردیده است.

پیام اشو زرتشت، گات‌ها، بیدار کننده‌ی اندیشه‌ی انسانها است و هر انسانی را سفارش می‌کند تا بااندیشه‌ی رسا، سره را از ناسره تشخیص دهند و همواره نیکی را برگزینند تا رستگار شوند.

؟ پرسش

۱ ـ هفت هات را چ کسانی سروده‌اند؟

۲ ـ مانترن یعن یچه؟ آن را به تفکیک اجزاء توضیح دهید؟

۳ ـ در جهان بینی گات‌ها، پیام خداوند چگونه به پیامبر رسیده است؟

۴ ـ اشو زرتشت خود را درچه نقشی در برابر مردم می‌داند؟

۵ ـ اشو زرتشت برای چ اشخاصی بهترین نیکی آرزو می‌کند؟

۶ ـ بهترین وظیفه یک شخص مانترن چیست؟

جای پاسخ پرسش‌ها ....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

همیشه پیروز و خندان باشید.